

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۰۴ دسمبر ۲۰۲۱

اسلام در تقابل با سنن دیرپای روستائی!

جمعه- ۱۲ قوس ۱۴۰۰- کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که امروز یعنی بعد از آن که ۱۱۰ روز از جلوس نامیمون ملا "هیبت الله" بر اورنگ امارت سپری شد، سرانجام نامبرده زیر فشار افکار جهانی و تقاضا های مبارزاتی مکرر زنان میهن، زبان کشوده، با صدور فرمانی در ۶ ماده، آنچه را آنها از حقوق زن در چوکات اسلام مطرح می نمودند، اعلام داشت. در یادداشت امروز خواهم کوشید تا مکث کوتاهی در زمینه نمایم:

۱- بادر نظر داشت این که دیانت اسلام زمانی در مکه آغاز و شکل گرفت که تا آنزمان در جامعه عرب کلاً بین مادر تباری و مرد سالاری تقابل شدیدی وجود داشت، تقابلی که در یک طرف زنان ضمن برخورداری از سایر آزادیها حتا آزادی مقاربت جنسی با مرد های متعدد را نیز داشتند، مردان نیز وجود زن را لکه ننگی بر دامن خانواده دانسته، از زنده به گور کردن نوزادان دختر ابااء نمی ورزیدند و محمد بعد از تحمل و پذیرش بیش از ۲۰ سال حاکمیت خدیجه همسر اولش، با مرگ وی نه تنها آزادی خود را از قید اتوریتة مناسبات مادر تبار به دست آورد بلکه با اتخاذ موضع به نفع جامعه مردسالار عقده های ۲۰ ساله اش را بر بقیة زنان جبران کرد؛ فرمان کنونی ملا "هیبت الله" هم به ادامه همان دساتیرست که محمد ۱۴۰۰ سال قبل برای زنان آنروز صادر نموده، در عین حالی که حاکمیت بلامنازع جامعه مرد سالار را بر زن رسمیت بخشیده، به زعم خودشان حق و حقوقی هم برای زنان آنهم برای پائین نافش قایل شده است و در نتیجه در حالی که هیچ ربطی به چگونگی حیات زن امروز، نیازمندی ها و حقوق اجتماعی آنها ندارد، زنانی را که در مناطق روستائی افغانستان از همان حقوق معین در "چوکات اسلام" نیز محروم هستند، "حقوق" اسلامی شان را به رسمیت شناخته است.

۲- استفاده از جمع مذکر برای معرفی رأس امارت، یعنی "امیر المؤمنین" در ذات خود نشان می دهد که در یک امارت اسلامی به هر نامی که اظهار وجود نماید، چه "ولایت فقیه" باشد چه "نظام ملاسالار" زن اساساً هویت و ارزش انسانی ندارد تا رأس امارت، بر آنها به مثابه امیر حاکمیت نموده، زنان نیز با حفظ روابط متقابل بین "امیر" و "بیعت کننده"، مکلف به اطاعت از "امیر" باشند. هرگاه چنین نمی بود مطمئناً در جریان ۱۴۰۰ سال، بین تمام کشور های اسلامی فردی پیدا می شد که از لحاظ دستور زبان، بداند که "مؤمنین" علامت جمع مذکر بوده زنها را شامل نمی شود در نتیجه "امیر المؤمنین" صرف "امیر" مردان و جنس مذکر می باشد و جنس مؤنث و مخنث را در بر نمی گیرد.

۳- از آن جایی که برخی از سنن دیر پای اجتماعی در تمام مناطق روستائی به خصوص مناطق پشتون نشین، آنقدر ارتجاعی و عقب مانده است که حتا "چوکات اسلامی" نیز در مقایسه با آن حکم "مانیفیست کمونیست" را پیدا می نماید، و این سنن گاهی در تقابل صریح با "قرآن" نیز قرار دارد، بین مردم کابل "ضرب المثلی به وجود آمده که "پشتونها نصف قرآن را قبول کرده اند، نصف دیگرش را نه". یکی از مواردی که این تقابل در آن خود را برجسته می سازد، موقف روستانشینان در کل و روستا نشینان پشتون به صورت خاص، در قبال زن است. در این جوامع زن چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج و چه هم در صورت ختم ازدواج- بیوه و یا مطلقه- تابع سنن و رسم و رواجهای محلی و قومی می باشد.

۴- نخستین باری که این تضاد بین اسلام و سنن روستائی در بین اقوام پشتون، به صورت کتبی درج تاریخ کشور ما گردید، در وصیت نامه "احمدشاه درانی"، ماده نهم می باشد. "احمدشان شاه درانی" علی رغم آن که از لحاظ اسلامی شخص متدین و متشرع بود، با آنهم در آن وصیت صریحاً به وارثانش- تیمورشاه فرزندش- وصیت می کند که حق فامیل شوهر را در قبال زن بیوه، به رسمیت بشناسد و جهت تغییر آن اقدامی نرزد.

این وصیت که در سال ۱۷۷۲ میلادی تنظیم گردیده، بر مبنای اوراق تاریخ بیشتر از یک صد سال عمر نمود، اولین حکمرانی که جهت نفی این وصیت و به گفته خودش جاری ساختن "احکام محمدی" بر آن خط بطلان کشید، امیر "عبدالرحمان خان" بود. این که نامبرده با صدور فرمان به رسمت شناختن حق آزادی زن بعد از مرگ شوهرش و یا زن بعد از طلاق، در محل زیست و انتخاب همسر و یا مجرد ماندن با چه انگیزه ای صورت گرفت، هر چند از لحاظ حکومتداری در خور اهمیت است، چه در حد زیادی باعث تضعیف مناسبات "پشتونوالی" و سنن روستائی به نفع تحکیم حاکمیت مطلقه سلطنتی می توانست شود، با آنهم در کل حد اقل از لحاظ نظری فاصله گیری با دساتیر ضد اسلامی "احمدشاه درانی" را مرفوع ساخته است. امیر نامبرده، فرمانش را تنها در همان زمینه محدود نساخته، در قسمت ازدواج دختران نابالغ، میراث و بقیه مواردی که اکنون "ملا هیبت الله" فرمان داده است با قاطعیت بیشتر تذکر داده است. این تشابه و تقرب بین فرمان امیر "عبدالرحمان خان" با فرمان "ملا هیبت الله" آنقدر زیاد است که می شود گفت، ملا به مانند یک شاگرد تنبل و نقال، فرمانش را از فرمان امیر نقل نموده است.

۵- بدون آن که وقت خود را در مقایسه فرمان شماره هفت "تره کی" و فرمان "ملا هیبت الله" ضایع بسازم، در یک کلام می توانم خلاصه نمایم که هر دو فرمان از لحاظ محتوا و طرز نگرش به زن، کاملاً یکسان نظر انداخته، برای هر دو زن متاعیست قابل خرید و فروش.

هموطنان گرامی!

فرمانی که را که "ملا هیبت الله" صادر نموده، در بهترین صورت ممکن است در روستا های افغانستان آنهم در صورتی که نیروهای مسلح طالب با آن مخالفت نورزند، اجراء شود، مگر این فرمان در حیات اجتماعی میلیونها زن و دختر افغان که در شهر زندگانی می نمایند، نه تنها هی نوع تأثیری ندارد بلکه ربطی هم به حیات اجتماعی آنها ندارد.

زن امروز خواهان حقوق و آزادیهای دموکراتیک خود است، زن امروز خواستار آن است تا تحصیل و کار به مثابه یک حق طبیعی اش از جانب حاکمیت به رسمیت شناخته شود، زن امروز خواستار آن است تا به مثابه انسان متساوی الحقوق با مرد، به مثابه نصف نفوس کشور در تعیین سرنوشتش خودش صلاحیت داشته باشد، زن امروز می خواهد در اداره امور زندگی سیاسی و اجتماعی اش تنها پیرو و مأمور اجرای اهداف و خواستههای جامعه مرد سالار نباشد، بلکه خود بتواند در این که چه برایش مفید است و چه را باید انجام دهد، تصمیم گیرنده باشد، زن امروز می خواهد معضلات اجتماعی امروز را به کمک و همکاری انسان امروز حل نماید نه این که از مرده های اعصار و قرون کمک طلب

نماید. زن امروز می خواهد خودش تصمیم بگیرد که چه بپوشد و چه نوع در جامعه حضور یابد نه این که با حجاب اجباری اسلامی، ظاهرش را با پنگوئین مشابه بسازد. از همین رو گفته می توانیم، "ملا هیبت الله" با صدور فرمانش، فقط تعلق خودش و نظامش را به ۱۴۰۰ سال قبل باردیگر اعلام داشته و بوسه بر آستان "امیر جلاد"، چیزی برای زندگی اجتماعی امروز نگفته است. ایکاش می شد سخن مرده ها را با خود مرده ها در میان گذاشت، نه با زنده ها و از آنها خواستن که دست و پای شان را در زنجیر های اسارت تعبیه شده به وسیله مردگان ببندند.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!